

فاتحه

سیدمحمدجواد طاهری کارتون‌نویس



فرزند چی تر زندگی بهتر؟



محمد اسدی

دولت‌های مختلف در چند دهه اخیر، سیاست‌های متفاوتی را در راستای فرزندآوری پیش گرفته‌اند؛ به طور مثال در ابتدای دهه ۷۰، دیگر کم مانده بود روی بیژانه پدرها شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را گلدوزی کنند؛ یا اینکه هر دیواری که گبرشان می‌آمد، نقاشی یک خانواده شاد و خوشحال با یک یا سه فرزند می‌کشیدند. اما در آغاز دهه ۹۰ ماجرا متفاوت شد و دو سه تا بچه دیگر به آن نقاشی‌های شهری اضافه کردند. خلاصه شرایط طوری شده بود که هر دستگاه دولتی در ابتدای روز و قبل از شروع هر کاری، از ادارات ذیصلاح (از بچگی آرزو داشته این عبارت ذی‌صلاح را یکجا به کار ببرم) استعلام می‌کرد که: «حاجی امروز فرزند چی تر زندگی بهتره؟» به عبارتی هر مجموعه در دوره‌های مختلف محدودیت‌ها یا امتیازاتی را در رابطه با سیاست فرزندآوری یا فرزند نیآوری وضع می‌کردند که برخی از آنها را مرور می‌کنیم:



مدرسه

مدارس در دوره «فرزند کمتر» حاضر به ثبت‌نام فرزندان چهارم به بعد خانواده نمی‌شدند؛ اما بعد از کلی اصرار و ارائه تعهد کتبی مبنی بر اینکه «این آخریشه» از سوی پدر و مادر، بچه را به مدرسه راه می‌دادند؛ البته با این شرط که بچه چهارم به بعد حق استفاده از سرویس بهداشتی مدرسه را ندارد. (مگر در شرایط فوق اضطراری آن هم فقط شماره یک) البته وضعیت برای معلمان مدارس نیز تفاوتی نداشت؛ در دوره «فرزند کمتر» به معلم‌ها (طبیعتاً معلم‌های خانم) برای فرزند چهارم به بعد هیچگونه مرخصی بارداری، زایمان و... داده نمی‌شد. بنابراین اگر کسی مقابل عبارت محل تولد، کلمه «مدرسه» یا «کلاس درس» را نوشت تعجب نکنید.



تسهیلات بانکی

بانک‌ها در دو دوره «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و «فرزند بیشتر، زندگی بهتر» سیاست‌های متفاوتی داشتند. در دوره اول، بانک‌ها حتی جواب سلام خانواده‌های پرجمعیت را هم نمی‌دادند و آنها را از بانک بیرون می‌انداختند؛ اما در این دوره، بانک‌ها جواب سلام خانواده‌های پرجمعیت را می‌دهند و پس از دریافت مدارک دو ضامن معتبر - یکی کاسب، یکی کارمند - آنها را با عزت و احترام از بانک بیرون می‌کنند؛ بانک‌ها معتقد هستند که در این شرایط سخت اقتصادی، خانواده‌های پرجمعیت خودشان کلی خرج و مخارج دارند و نباید هزینه قسط را هم به گردن آنها انداخت. بنابراین با امتناع از عدم پرداخت وام به این خانواده‌ها، در کاهش هزینه‌های ماهانه خانوار نقش مؤثری را ایفا می‌کنند.



وام فرزندآوری

حال که بحث تسهیلات بانکی شد این را هم اضافه کنیم که در ماه‌های اخیر، دولت بانک‌ها را موظف کرده است تا به خانوارهای صاحب فرزند مدل ۱۴۰۰ به بعد (کم کارکرد) وام فرزندآوری پرداخت شود. البته این وام تنها به خانوارهای ساکن در شهرهای کم جمعیت (با نرخ باروری کمتر از ۲.۵) اعطا می‌شود؛ بنابراین اگر خواستید فرزنددار شوید، یا از چند وقت قبل به شهرهای کم جمعیت مهاجرت کنید یا با خانوارهای دیگر شهر هماهنگ کنید که بچه‌دار نشوند تا نرخ باروری شهر شما نیز پایین بیاید و به شما وام بدهند؛ بعداً می‌توانید درصدی از این وام را به خانواده‌هایی که با شما همکاری کردند به‌عنوان حق فرزند نیآوری پرداخت کنید.



بیمه درمانی

در دوره فرزند کمتر، بچه‌های چهارم به بعد را بیمه درمانی نمی‌کردند. (حالا ما این عبارت را شوخی شوخی می‌نویسیم، اما مسئولان جدی جدی فرزندان چهارم به بعد را بیمه نمی‌کردند). البته اگر فرزند شما همزمان که سر روده بزرگش از دهانش بیرون زده بود، آپاندیس ترکیده‌اش را هم در دست می‌گرفت، شاید او را به بیمارستان راه می‌دادند که دکتر بین مریض، او را معاینه می‌کند؛ البته در این شرایط پزشک، مجاز به استفاده از جوب بستنی جدید در معاینه نبود و باید از جوب بستنی‌های بیمارستان قبلی استفاده می‌کرد. در ۹۹ درصد موارد هم پزشک دارویی نمی‌نوشت و فرزندان بعد از دریافت ۳ دوز ترکیب جای ثابت و عرق خارشتر در هر ۸ ساعت یکبار توسط مادر محترم، تصمیم می‌گرفتند که خودشان خوب شوند تا مرض اسهال نیز، به مرضشان اضافه نشود. اگر هم پزشک مجبور به تجویز آمپول می‌شد، به تزریقات درمانگاه می‌سپرد که طوری آمپول را به بچه بیچاره بزنند که اگر کوبش هم آن طرف‌ها افتاد، سرعاش را نگیرد.



رادیو تلویزیون

رادیو و تلویزیون در هر دو دوره، برنامه‌های تشویقی تا تنبیهی مختلفی برای خانواده‌ها می‌ساختند، البته در بازه تغییر سیاست افزایش جمعیت اتفاقات قابل توجهی در این برنامه‌ها رخ می‌داد؛ مثلاً درست در همان لحظه که برنامه «در شهر» با خانواده‌ای پرجمعیت - در حالی که چهره‌های آنها شطرنجی بود - مصاحبه می‌کرد و به‌عنوان لکه ننگی از آنها نام برده می‌شد، سیاست تغییر کرد و احسان علیخانی پرید وسط دکور و تقدیر به‌عنوان خانواده الگو و چه پیامی برای بینندگان محترم دارید. در همان برنامه هم دو فرزند دیگر خانواده پیدا شدند و مشخص شد از ترس سیاست‌های تنبیهی آنها را قاچیم کرده بودند؛ به عبارتی بساط فرزند پیدا کردن و آبخوره گرفتن بعدش در ماه عسل از همانجا شروع شد.

بنابراین به نظر می‌رسد اگر دستگاه‌های مختلف خیلی کاری به کارمان نداشته باشند، بهتر می‌توانیم تصمیم بگیریم که چه غلطی توی سرمان بریزیم. مضافاً اینکه آدمیزاد آنا از بچه خوشش می‌آید.

بررسی نظریه فرزند کمتر زندگی بهتر در الگوی اقتصادی سرپرست خانوار

دکتر مولود مقتصدنیا

رئیس مؤسسه تحقیقاتی درآمدسازان مولد



فاطمه سادات رضوی علوی

مقدمه:

طبق نظریات جامعه‌شناسی و حاصل اندیشه‌های نوکانتی «من نفس می‌کشم، پس نیروی کار هستم» (you should kar koni ta goor) در تضاد کامل با نظریه اقتصادی پیرامون «فرزند کمتر، زندگی بهتر» است. نتایج تحقیقات دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که اگر به فرزندان به چشم نیروی کار نگاه کنیم آنها فقط مصرف‌کننده نخواهند بود (رک؛ ترک اعتیاد و راه‌های آن) ببخشید اشتباه شد منظورمان آن مصرف‌کننده نبود! (رک؛ پدران ثروت ساز دهه پنجاهی) بلکه می‌توانند با اشتغال به کار هم خرج خودشان را دریاورند و هم تولیدکننده باشند و هم بار اقتصادی به خانواده اضافه نکنند. اگرچه تاکنون همه نظریه‌ها معتقد بودند شما هرچقدر فرزند بیشتری داشته باشید از رفاه نسبی کمتری برخوردارید ولی نتایج ما نشان می‌دهد این نظریه خیلی غلط کرد.

فرضیه:

با فرزند خیلی بیشتر، درآمد خیلی خیلی بیشتر است.

آزمایش:

برای تست این فرضیه سراغ دو خانواده با یک فرزند و شش فرزند رفتیم. از خانواده تک فرزند خواسته شد تا فرزندش را در رفاه نسبی بزرگ کند (in the par of ghoo) و از خانواده شش فرزند خواسته شد فرزندانشان را سرکار بگذارند. فرزندان دهه شصت برایشان شغلی در حد توان و سبشان دست و پا کنند تا زودتر وارد بازار کار شده و (اگر فمینیست‌ها ناراحت نمی‌شوند) به عبارتی زودتر مرد شوند. وضعیت اقتصادی هر دو خانواده مورد آزمایش بعد از یک سال بررسی شد. خانواده تک فرزند با شاخص منفی اقتصادی جهت فراهم کردن هزینه کلاس‌های تابستانی، اسباب بازی، شارژ اینترنت، عضویت در باشگاه و... به قرض کردن پول از دوستان و حتی باجناقش منجر شد. خانواده شش فرزند که کار را به منزله تفریح می‌دید با میزان درآمد هر یک از فرزندان توانست باجناق بازی را کنار گذاشته و به خانواده تک فرزند قرض دهد.

(be haghe chiz haye nadide!)

در مرحله دوم این آزمایش ده سال بعد به سراغ این خانواده‌ها رفتیم و با نتایج شگفتی مواجه شدیم. فرزند خانواده تک فرزند به رغم تلاش‌های بسیار در زمینه خرج پول‌های جیب پدرش در یک اتاق در اداره ثبت تبریک تولدهای کارکنان همان اداره مشغول شد. البته با توجه به سنت حسنه خوشحال کردن دیگران توانست بابت این شغل دل پدر و مادرش را به دست آورد اما همچنان کارت پدرش را پس نداد تا گرفتار کارت به کارت‌های بی‌موقع و قطعی

فعلاً تصمیم نداریم بچه بیاریم. هیکلرم خراب می‌شه!

